

کاوش‌هایی در باب فلسفه‌ی تربیت دینی از دیدگاه اسلام

دکتر سعید بهشتی^۱

روشنک نیکوبی^۲

تاریخ وصول: ۸۹/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۵

چکیده

مجموعه‌ی رویکردها به فلسفه تربیت دینی در چهار طبقه جای می‌گیرد: «فلسفه تربیت دینی بالمعنى العام» که شامل همه ادیان، اعم از حق و باطل است؛ «فلسفه تربیت دینی بالمعنى العام» که فقط شامل ادیان حقه توحیدی است؛ «فلسفه تربیت دینی بالمعنى الخاص» که به تعالیم اسلامی محدود می‌شود؛ و «فلسفه تربیت دینی بالمعنى الخاص» که به سه حوزه تربیت اعتقادی، اخلاقی، و عملی اسلام اختصاص دارد و از ورود به دیگر حوزه‌های تعلیم و تربیت اسلامی می‌پرهیزد. این نوشتار، که بر مبنای رویکرد چهارم سامان یافته، فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام را به مثابه «یکی از علوم فلسفی اسلامی که با روش استدلالی - استنادی به تبیین و تحلیل مفهوم‌ها و گزاره‌های تربیت دینی از دیدگاه قرآن و سنت مucchoman (ع) می‌پردازد» تلقی و تعریف نموده است. افزون بر این، پس از معرفی مبادی تصویری بحث، مشخصاً سه موضوع «مبانی»، «اصول»، و «اهداف» تربیت دینی از دیدگاه اسلام - که به اعتقاد ما هر سه به

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

سامانه معرفتی (فلسفه تربیت دینی) مربوط می‌شوند- به بحث گذاشته شده اند. در قلمرو مبانی، از میان مبانی سه‌گانه و معروف مندرج در منابع فلسفه تعلیم و تربیت غرب، یعنی معرفت شناسی، وجودشناسی، و ارزش‌شناسی، شماری از مهم‌ترین اندیشه‌های زیرساختی معرفت شناختی و وجودشناختی، از متون و نصوص اسلامی، با تأکید بر قرآن کریم، استخراج و عرضه شده‌اند. مبانی معرفت شناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام عبارت‌اند از: «امکان پذیری معرفت لازم برای تربیت دینی»، «برخورداری آدمی از ابزارهای سه‌گانه معرفتی حس، عقل و تزکیه نفس»، «مرتبت مندی معرفت لازم برای تربیت دینی»، و «مطابقت با واقع، به عنوان مناطق نهایی صدق معرفت لازم برای تربیت دینی». مبانی وجودشناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام عبارت‌اند از: «مبدأ مندی هستی»، «مقصدمندی هستی»، «مرتبت مندی هستی» و «وحدت حقیقی اجزای هستی». اصول تربیت دینی مبنی بر مبانی معرفت شناختی نام بده بدين قرارند: «اغتنام در معرفت»، «تفعیل در معرفت»، «تحصص در معرفت»، «تشکیک در معرفت»، «ترکیب در معرفت»، «گزینش واقع بینانه» و «ارزیابی واقع بینانه». اصول تربیت دینی مبنی بر مبانی وجودشناختی فوق الذکر بدين شرح‌اند: «مبدأ شناسی»، «مقصدشناسی»، «مباداواری»، «مقصدباواری»، «مرتبت مندی مراحل، مبانی، اصول، اهداف، مواد، و روش‌های تربیت دینی»، «وحدت معرفتی»، و «توحید معرفتی». و سرانجام، اهداف تربیت دینی از دیدگاه اسلام در دو بخش هدف غایی (وصول به مقام قرب مطلق الاهی) و اهداف واسطی (یقین)، (تعوا)، (ایمان) و (اسلام) معرفی گردیدند.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، فلسفه تربیت دینی، اسلام، مبادی، مبانی، اصول، اهداف.

مقدمه

فلسفه تربیت دینی، در عالم ترین مفهوم آن، مجموعه‌ای از تحلیل‌های عقلاتی در باب تربیت دینی است. می‌توان این رویکرد به تربیت دینی را رویکردی برون دینی نام نهاد. اما اگر این

گونه تحلیل‌ها در چارچوب آموزه‌های دین خاصی صورت پذیرد و از درون آموزه‌ها و اندیشه‌ها و بینش‌های آن دین برخیزد، رویکردنی درون دینی به تربیت دینی پذید می‌آید. به این ترتیب، آن چه میان این دو رویکرد مشترک است، تحلیل‌های عقلانی است و تفاوت آنها در این است که رویکرد نخست، الزاماً تعهدی به آموزه‌ها و رهنمودهای وحیانی دین -اگر دین را به معنای درست آن لحظت کنیم- ندارد و تربیت دینی را فقط و فقط با عیار عقل و تحلیل‌ها و کاوش‌های عقلانی می‌سنجد، در حالی که رویکرد دوم، فلسفه تربیت دینی را از درون دین می‌جوید و طرح نظری خود در این مقوله را مناسب و ملائم با آموزه‌ها و بینش‌های دین پی می‌نهد، هر چند به لحظه فلسفی بودن بحث، از تجزیه و تحلیل‌های عقلانی نیز بهره مند می‌شود. با این مقدمه و با عنایت به عنوان مقاله‌ی حاضر، سبک و سیاق این نوشتار را رویکرد دوم تشکیل می‌دهد. اما فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام، ریشه و مایه در آخرین و کامل‌ترین دین توحیدی دارد که عقل را «پایه و اساس انسانیت^۱، حجت باطنی خداوند^۲، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین دین، و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام» (بهشتی، ۱۳۸۶، صص ۱۴-۱۵) معرفی می‌کند. اسلام، عقل را به رسمیت می‌شناسد و حتی در شناخت مبدأ آفرینش، به شرطی که از دام اوهام و خیالات باطل برهد و پروردگار عالم را محدود نپندرد، دست عقل را در حد شناسایی لازم و ضروری خدای متعال باز می‌گذارد^(۱). به این ترتیب، ساختار حاکم بر نوشتار حاضر، ساختاری عقلانی - وحیانی یا عقلی - نقلی^(۲) خواهد بود.

در این مقاله به چهار سؤال اساسی پاسخ داده خواهد شد:

۱- مبادی تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

۲- مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

۳- اصول تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

۱- حضرت علی (ع): «الإنسان بعقله» (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۳۷).

۲- امام کاظم (ع) می‌فرماید: «أَنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حِجْنَنٌ: حِجْنَةُ ظَاهِرٍ وَ حِجْنَةُ باطِنٍ، فَمَا الظَّاهِرُ فَالرِّسْلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئْمَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ مَا الْبَاطِنُ فَالْعُقُولُ». (کلینی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۸).

۴- اهداف تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

با توجه به ماهیت عنوان این مقاله و نیز با ملاحظه ساختار و محتوای سوالات چهار گانه بالا، روش پژوهش مورد استفاده، روش تحلیلی- استنادی^(۳) خواهد بود.

مبادی تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

مراد از مبادی در اینجا مبادی تصوری است. مبادی تصوری، همان تعریف حدی و رسمی مفاهیم است. منطق دانان، مبادی را به دو قسم مبادی تصوری و مبادی تصدیقی تقسیم می‌کنند^(۴). روشن ساختن مبادی تصوری به فهم بهتر مفاهیم و مفاهمه طرفین بحث کمک می‌کند.

پیش از تبیین مفهوم «فلسفه تربیت دینی» بایسته است ابتدا مؤلفه‌های مفهومی این اصطلاح ترکیبی، تحلیل و تعریف^(۵) شود. در این راستا، سه مؤلفه بسیط (در اینجا به معنای واحد) یعنی «فلسفه‌ی»، «تربیت» و «دین» و یک مؤلفه مرکب، یعنی «تربیت دینی» تعریف می‌شود و در نهایت، تعریف موردنظر ما از «تربیت دینی» عرضه می‌گردد.

فلسفه، که در اینجا به صورت مضاف و به شکل «فلسفه‌ی» (Philosophy of) به کار می‌رود، علمی است که به «تحلیل عقلانی مدل‌ها، روش‌ها، و قضايانی می‌پردازد که در مضاف الیه مطرح است» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۴۵). به عبارت دیگر، به معنای «تبیین اصول و مبانی و به اصطلاح «مبادی» علم دیگر و بعضاً بررسی مطالبی از قبیل تاریخچه، بنیان گذار، هدف، روش تحقیق، و سیر تحول آن علم می‌باشد» (مصطفایی‌یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷۲). و به دیگر سخن «در باب ماهیت، محتوا، و فایده‌ی مضاف الیه خود بحث می‌کند» (Lucas, 1956. P. 167).

ما در جمع بندی از این دیدگاه‌ها، «فلسفه‌ی مضاف» را «یکی از علوم فلسفی که به تجزیه و تحلیل عقلانی در باب مبادی مضاف الیه خود می‌پردازد» تعریف می‌کنیم. این مبادی، اعم از مبادی تصوری و تصدیقی، یعنی مفهوم‌ها و گزاره‌ها و دیدگاه‌هایی است که در مضاف الیه مطرح شده است.

تربیت از ریشه «ربو» در لغت یعنی «غذا دادن و بزرگ کردن^۱» و در اصطلاح مورد نظر ما «مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء، و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متربی صورت می‌پذیرد^۲».

دین در لغت در معانی «طاعت، ورع، ملت و مذهب، سیره و جزا و مكافات^۳» و به طور خلاصه‌تر، در دو معنای «طاعت و جزا^۴» به کار گرفته شده است. صاحب مجمع البحرين، علاوه بر اشاره به دو معنای مذکور، دین را «وضع و جعلی الاهی برای خردمندان که اصول و فروع را شامل می‌شود^۵» تعریف کرده است.

دین را اصطلاحاً به معنای «اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی مطابق با این اعتقاد» (صبحاً يزدي، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۸) تعریف کرده‌اند.

در این نوشتار، دین را «مجموعه‌های از آموزه‌های نظری درباره جهان و انسان و آفریدگار این دو و هنجارهای اخلاقی و دستورهای عملی مبتنی بر آن آموزه‌ها با سه هدف اعتقاد، تخلق، و عمل» تعریف می‌کنیم.

در یک تعریف به نسبت قابل قبول اما نه چندان جامع از تربیت دینی گفته شده است: «تربیت دینی مجموعه اعمال عمدى و هدفدار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل به آن آموزش‌ها متعهد و پایند گرددند، می‌باشد» (داودی، ۱۳۸۶، ص ۲۶).

۱- الف- ربا الجرح و الارض و المال و كل شيء يربوا اذا زاد... و تقول ربته و تربيته، اي غذوته (الفراءيدى، ۱۴۱۴، ص ۶۴۹) ب- رب الشيء: زاد و نما... ربته تربيته و تربيتها، اي غذوته (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۸).

۲- الدين: ج اديان، الطاعه [المعصيه] الورع (اسم لجميع ما يعبد به الله)، المله و المذهب، السيره...الجزاء و المكافاه (معلوم، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱).

۳- و الدين يقال للطاعه و اللجزء واستعير للشريعة، و الدين كالمله، لكنه يقال اعتباراً بالطاعه و الانقياد (الاصفهاني، ۱۴۱۶، ص ۳۲۳).

۴- و الدين هو وضع الهي لاولى الالباب يتناول الاصول و الفروع، قال تعالى: «ان الدين عند الله الاسلام» (الطريحي، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۶).

با ادغام و تلفیق دو تعریفی که از «تربیت» و «دین» ارائه کردیم، تربیت دینی از دیدگاه ما عبارت است از: «مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای ایجاد، ابقاء، و اکمال عقاید، اخلاق، و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌گردد».

و سرانجام با ادغام و تلفیق تعاریف ارائه شده از «فلسفه مضاف» و «تربیت دینی»، فلسفه‌ی تربیت دینی را «یکی از علوم فلسفی که با روش تعلقی و استدلالی به تبیین و تحلیل مفاهیم و گزاره‌های تربیت دینی می‌پردازد» تعریف می‌کنیم. تبیین و تحلیل مبانی، اصول، و اهداف تربیت دینی، که در این مقاله لحاظ شده اند، از جمله این مفاهیم‌اند.

با عنایت به آوردن حیث تقيیدی «از دیدگاه اسلام» در عنوان مقاله حاضر، روشن است که مراد از دین در اینجا دین اسلام، یعنی «مجموعه آموزگان و حیانی قرآن و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)» بوده و تربیت دینی نیز تربیت مبنی بر آموزگان و حیانی قرآن و سنت است. اصطلاح ترکیبی «فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام» به دلیل وجود اصطلاح «فلسفه» بیانگر وجه تجزیه و تحلیل‌های نظری و عقلانی و به دلیل وجود قید «از دیدگاه اسلام» نشانگر تقيید و تحدید این تحلیل‌ها به چارچوب و محدوده‌ی تعالیم و حیانی و نقلی اسلام است. به همین دلیل است که ساختار حاکم بر این مقاله را ساختاری وحیانی- عقلانی و روش‌شناسی پژوهشی آن را تحلیلی- استنادی خواندیم^(۷). در نتیجه، فلسفه‌ی تربیت دینی از دیدگاه اسلام، «یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با روش استدلالی- استنادی به تبیین و تحلیل مفهوم‌ها و گزاره‌های تربیت دینی از دیدگاه قرآن و سنت معصومان (ع) می‌پردازد».

در پایان این قسمت، تذکر چند نکته لازم است:

۱- در عبارت «فلسفه تربیت دینی» واژه دین هم ادیان حق را در بر می‌گیرد، هم ادیان باطل را. قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الْأَرْضِ كَلَهُ وَ كَفِى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (الفتح، ۲۸). به تبع این مطلب، تربیت دینی هم می‌تواند دو قسم حق و باطل داشته باشد. اما قید احترازی «از دیدگاه اسلام» تربیت دینی باطل را خارج می‌کند.

۲- فلسفه‌ی تربیت دینی با فلسفه‌ی علم تربیت دینی فرق دارد، چنان که «فلسفه تربیت» نیز- بنا به نظر ویلیام فرانکنا (Lucas, 1956, p.288)- غیر از «فلسفه علم تربیت» است. فلسفه تربیت دینی، کاوش‌ها و تحلیل‌های عقلی و فلسفی در باب مفهوم‌ها و گزاره‌های علمی تربیت دینی است. به علاوه، چنان که برخی از اندیشمندان در خصوص تفاوت فلسفه دین با فلسفه علم دین خاطر نشان کرده اند که فلسفه دین به متون دینی مربوط می‌شود و فلسفه علم دین به دیدگاه‌های متفکران دینی^(۸)، در اینجا نیز می‌گوییم: فلسفه تربیت دینی، مستقیماً به دیدگاه‌ها و گزاره‌ها و استدلال‌هایی می‌پردازد که در خود متون دینی مطرح شده است، نه لزوماً ادله و دیدگاه‌هایی که توسط اندیشمندان حوزه تربیت دینی به ظهور پیوسته است.

۳- به نظر ما مجموع رویکردها به فلسفه تربیت دینی در چهار طبقه جای می‌گیرد:

الف: «فلسفه تربیت دینی بالمعنى العام» که شامل همه ادیان، اعم از حق و باطل می‌شود؛

ب: «فلسفه تربیت دینی بالمعنى العام» که فقط شامل ادیان حقه توحیدی است؛

ج: «فلسفه تربیت دینی بالمعنى الخاص» که صرفاً در محدوده اسلام، یعنی قرآن و سنت معصومان (ع)، عمل می‌کند؛

د: «فلسفه تربیت دینی بالمعنى الاخص» که هر چند تربیت دینی در محدوده اسلام را به بحث و کاوش و مطالعه عقلانی و نظری می‌گذارد، اما بنا به تفکیکی که برخی از فیلسوفان تعلیم و تربیت‌گری مانند جان الیاس (Elias 1995) میان ساحت‌های تعلیم و تربیت قائل شده‌اند^(۹)، با دیگر ساحت‌ها از قبیل تربیت عقلانی، تربیت زیبایی شناختی، تربیت سیاسی، تربیت حرفه‌ای، تربیت بدنی، و تربیت استثنایی تفاوت پیدا می‌کند.

به عبارت روش‌تر، تفاوت الگوی سوم و چهارم در این است که در الگوی سوم، تربیت دینی از دیدگاه اسلام، همه حیطه‌های تربیت، اعم از اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، مدنی، و مانند آن را شامل می‌شود، درحالی که الگوی چهارم فقط در برگیرنده سه حیطه نخست، یعنی تربیت اعتقادی، اخلاقی، و عملی است^(۱۰). شایان ذکر است که ما در مقاله حاضر، همین الگوی چهارم را برگزیده‌ایم^(۱۱).

۴- تربیت دینی در رویکرد چهارم، سه حیطه دارد: تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی، و تربیت عملی. و محصول و برآیند نهایی تربیت دینی در مجموع حیطه‌های سه گانه اعتقادی، اخلاقی، و عملی، «انسان دین دار» خواهد بود.

۵- هر چند باسته است سه مؤلفه مبانی، اصول، و اهداف در هر کدام از حیطه‌های سه گانه تربیت دینی به صورت جداگانه تبیین و تحلیل شوند، اما به دلیل ضيق مجال، این سه مؤلفه را به طور کلی و به نحو لایشرط، و نه بشرط شیء، در قلمرو عام تربیت دینی کاویده و بررسیده‌ایم.

۶- افزون بر این، رسم این است که در منابع فلسفه تعلیم و تربیت، پس از تبیین مبانی سه گانه وجودشناختی، معرفت شناختی، و ارزش شناختی هر مکتب، دلالت‌های تربیتی آنها را در سه حیطه مشخص هدف‌ها، محتوا، و روش‌ها به بحث می‌گذارند، که در این جا باز هم به همان دلیل، فقط هدف‌ها را بر شمرده‌ایم و بحث از محتوا و روش‌ها را به فرصتی دیگر وانهاده‌ایم. به علاوه، شماری از اهداف را پس از اصول مذکور شده ایم.

مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

غلامحسین شکوهی، نویسنده کتاب «مبانی و اصول آموزش و پرورش» (۱۳۶۸) شاید از نخستین صاحب نظرانی است که در باب معنا و مفهوم «مبانی تعلیم و تربیت^۱» و اقسام آن سخن گفته است. وی در صفحه ۶۱ این کتاب، به این نکته یا شاخص مفهوم شناختی در باب مبانی تعلیم و تربیت اشاره می‌کند که «اعزیمت به سوی هر مقصد، برای آن که متنضم وصول بدان باشد، مستلزم طرح و نقشه‌ای است که ناگزیر باید با توجه به مبدأ حرکت ترسیم شود». به این ترتیب، مناطق مهم در تشخیص مبانی تعلیم و تربیت آن است که مبانی ناظر به «مبدأ حرکت تربیتی و ویژگی‌های او» هستند. این است که وی در ادامه، مبانی تعلیم و تربیت را این گونه تعریف می‌کنند: «مبانی تعلیم و تربیت از موقع آدمی و امکانات و محدودیت‌هایش و نیز از ضرورت‌هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست بحث می‌کند» (ص ۶۱). به علاوه، فحوا

و سیاق کلام وی، به خصوص در واژه‌هایی مانند «موقع آدمی» و «امکانات و محدودیت‌هایش» به خوبی نشان می‌دهد که از نظر وی، مبانی به «آنچه هست» ناظرند، نه «آنچه باید باشد». به نظر ما در مقام تمثیل، می‌توان حرکت یا فرایند تربیت را به سفر تشبیه کرد که دارای مبدأ، مقصد، تابلوهای راهنمای، مسیر، و نقشه است. مبنا ناظر به مبدأ سفر، هدف ناظر به مقصد سفر، اصل ناظر به تابلوهای راهنمای سفر، روش ناظر به مسیر سفر، و محتوا ناظر به نقشه سفر است.

به نظر ما مبانی تربیت دینی از دیدگاه اسلام، «اوصاد وجودی انسان، جهان، و آفریدگار انسان و جهان اند که از متون اسلامی استخراج و به یکی از دو شکل بسیط، یعنی مفاهیم، یا مرکب، یعنی گزاره‌های اخباری یا توصیفی بیان می‌شوند و شالوده استخراج و تدوین اهداف، اصول، محتوا، و روش‌ها به شمار می‌آیند».

در منابع تعلیم و تربیت، مخصوصاً تعلیم و تربیت غرب، معمولاً از دو مبنای تعلیم و تربیت سخن به میان می‌آید: مبنای علمی، و مبنای فلسفی. برای مثال، جرج نلر (۱۹۷۱) در کتاب «مبانی تعلیم و تربیت» از این دو مبنای برده و به تفصیل درباره آنها بحث کرده است. اما در منابع مربوط به رشته تخصصی «فلسفه تعلیم و تربیت»، عموماً از مبانی فلسفی بحث می‌شود نه مبانی علمی، و مبانی فلسفی به سه قسم تقسیم می‌شوند: مبانی وجود شناختی^۱، مبانی معرفت شناختی^۲، و مبانی ارزش شناختی^۳. در این نوشتار، شماری از مبانی معرفت شناختی و وجود شناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام معرفی شده است.

الف: مبانی معرفت شناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام

به نظر نگارندگان، مبانی معرفت شناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام، «مفهوم‌ها یا گزاره‌های توصیفی ناظر به شناخت‌های لازم برای تربیت دینی است که از متون اسلامی استخراج می‌شود».

1. ontology
2. epistemology
3. axiology

در این قسمت، شماری از این مبانی معرفت شناختی معرفی می‌شود.

۱- از دیدگاه اسلام، معرفت لازم برای تربیت دینی امکان پذیر است.

این معرفت، یا نظری است یا عملی. عمدۀ معرفت نظری لازم برای تربیت دینی مورد نظر اسلام، به دو مقوله اساسی، یعنی مبدأ و معاد مربوط می‌شود.

امکان پذیری معرفت نظری در باب شناخت مبدأ هستی با استناد به آیاتی از قرآن، قابل

تأثید و تصدیق است، مانند:

ما اتخد الله من ولد و ما كان معه من الله اذا لذهب كل الله بما خلق و لعلى بعضهم على بعض
(المؤمنون، ۹۱).

لو كان فيهما آلله آل الله لفسدتا (الأنبياء، ۲۲).

فلما رأى القمر بازغاً قال هذا ربّي فلما افل قال لئن لم يهدني ربّي لاكون من القوم

الصالين، فلما رأى الشمس بازغه قال هذا ربّي هذا اكبر فلما افلت قال يا قوم انى بري مما

تشركون، انى وجّهت وجهي للذى فطر السموات والارض حنيفاً و ما انا من المشركين (الانعام،

۷۶-۷۹^۱).

امکان پذیری معرفت نظری در باب معاد نیز با استناد به آیات بسیاری از قرآن قابل تصدیق

است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

او لم يروا أن الله يحيي الموتى بلى انه على كل شىء قادر (الاحقاف، ۳۳).

لا اقسم بيوم القيمه، و لا اقسم بالنفس اللوامة، ايحسب الانسان ان لن يجمع عظامه، بلى

قادرين على أن نسوى بناته (القيمه، ۱-۴).

پرتو جامع علوم انسانی

۱- در این زمینه، به آیات دیگری هم می‌شوند استشهاد کرد، مانند:
انَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخَلَافِ الْلَّيلُ وَالنَّهَارُ وَالْفَلَكُ الَّتِي تَحْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَاحْجَاءٌ
بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَائِيٍّ وَتَصْرِيفِ الْرِّياحِ وَالسَّحَابِ الْمَسْحَرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقُلُونَ (البقرة، ۱۶۴).
ام خلقوا من غير شيء ام هم الخالقون (الطور، ۳۵).

۲- از دیدگاه اسلام، انسان از سه ابزار حسن، عقل، و تزکیه نفس برای معرفت لازم جهت تربیت دینی برخوردار است.

در آیه زیر، برخورداری انسان از حس و عقل بیان شده است:
لهم قلوب لا يفقهون بها و لهم اعين لا يبصرون بها و لهم آذان لا يسمعون بها ...
(الاعراف، ۱۷۹).

و اینزار تزکیه نفس از این آیات برداشت می شود:

... ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فِرْقَانًا (الأنفال، ٢٩).

... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ ... (البَقْرَةُ، ٢٨٩).

و این بیان حضرت علی (ع) نیز ناظر به پر خورداری انسان از چنین اینزاری است:

قد احيي عقله و امات نفسه و دق جليله و لطف غليظه و برق له لامع كثير البرق، فأبان له الطريق و سلك به السبيل و تدافعته الابواب الى باب السلامه و دار الاقامه (دشتي، ١٣٧٩، ص ٤٤٦-٤٤٧).

۳- از دیدگاه اسلام، معرفت لازم برای تربیت دینی، مقول به تشکیک و شامل سه مرتبه وحیانی، عرفانی، و عقلانی است.

اسلام، معرفت را امری مرتب مند و تشکیکی می داند. کل قرآن، حاوی معرفتی وحیانی و نازل شده از سوی خداوند بر قلب پیامبر (ص) است که: ... و اوحی الى هذا القرآن لانذركم به و من بلغ... (الانعام، ۱۹).

اسلام، معرفت عرفانی را هم که از راه خویشتن بالایی و مراقبت و ترکیه نفس و تهذیب و ریاضت حاصل می شود به رسمیت می شناسد که آیات آن معروفی گردید. همچنین معرفت عقلانی و برهانی را هم تأیید می کند که نمونه هایی از آن ذکر گردید.

البته خود معرفت عقلانی هم مرتبت مند و مقول به تشکیک است. به این معنا که در مرتبه‌ای مسبوق به حس و ادراک حسی است که نمونه‌هایی از آن بیان شد. چنین معرفتی را

اصطلاحاً «آنی» می‌نامند. اما در مرتبه‌ای هم بی نیاز از ادراک حسی است، مانند «برهان تمانع^(۱۲)» که منظوی در این آیه است:

لو کان فیهما آلله آل الله لفسدتا (الانبیاء، ۲۲).

و شاهد گرفتن وجود خدای متعال بر هر چیز دیگر، به جای شاهد گرفتن چیزهای دیگر بر وجود او:

... او لم يكف بربك انه على كل شئ شهيد (فصلت، ۵۳).

و چنین استدلالی که در آن به وجود خدا بر وجود خدا استدلال می‌شود، برهان «لمی» است.

۴- معیار نهایی حقانیت معرفت لازم برای تربیت دینی، مطابقت داشتن با واقع است.
 هر چند در قرآن، آیه‌ای که با دلالت مطابقی و با صراحة چنین مبنایی را مطرح کرده باشد وجود ندارد، اما وقتی که با معاندان و مخالفان توحید و یکتاپرستی به محاجه و استدلال بر می‌خizد و آنها را به تعقل و تفکر- که ارزشی خودبینیاد و ذاتی دارد نه دیگر بنیاد و عرضی- فرامی‌خواند تا وجودان‌های خفتۀ آنها را بیدار سازد و اندیشه و فکرshan را به جولان در آورد، به خوبی معلوم می‌شود که قرآن، معیار نهایی و ذاتی درستی و نادرستی اندیشه‌ها و دیدگاهها را مطابقت و عدم مطابقت با واقع می‌داند، نه- فی المثل- موافقت یا عدم موافقت با راه و رسم نیاکان و آیین و سنت پیشینیان و یا حتی قول شارع. البته باید توجه داشت که محل کاربرد این معیار، به ویژه در حیطۀ اعتقادات و اخلاقیات تربیت دینی است.

ب: مبانی وجودشناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام

در این قسمت نیز شماری از مهم‌ترین مبانی وجودشناختی معرفی می‌شوند:

۱- هستی مبدأمند است.

آیاتی که ناظر به خلقت جهان هستی است و شماری از آنها در مبانی معرفت شناختی تربیت دینی مطرح شد، شواهدی بر این مبناست.

۲- هستی مقصدمند است.

و لله غیب السموات والارض و اليه يرجع الامر كله (هود، ۱۳۳).
انَّ إِلَيْ رَبِّكَ الرُّجُوعُ (العلق، ۸).

این دو آیه، متكلف هر دو مبنای فوق است:
أَنَّ اللَّهَ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (البقرة، ۱۵۶).
هو الاول و الآخر ... (الحديد، ۳).

۳- هستی مرتبت‌مند است.

اسلام، هستی را دست کم دارای دو مرتبه یا دو لایه می‌داند. گاه سخن از ظاهر و باطن
هستی است:

يعلمون ظاهراً من الحيوه الدنيا و هم عن الآخره هم غافلون (الروم، ۷).
گاه اشاره به غیب و شهادت است:

عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ (الرعد، ۹).
له غیب السموات والارض (النحل، ۷۷).

و گاه سخن از ملکوت عالم به میان می‌آید:
وَ كَذَلِكَ نَرِى إِبْرَاهِيمَ مَلْكُوتَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (الانعام، ۷۵).
او لم ينظروا في ملکوت السموات والارض (الاعراف، ۱۸۵).

فسبحان الذى بيده ملکوت كل شيء (یس، ۸۳).

۴- اجزای هستی از وحدت حقیقی برخوردار است.

کران تا کران هستی، از ملک و شهادت تا ملکوت و غیب، و از کوچکترین و پست‌ترین
ذرات تا بزرگ‌ترین و شریف‌ترین موجودات، چونان یک کل واحد و یکپارچه و یک
مجموعه به هم پیوسته و در هم تنیده است، یک آهنگ می‌نوازد و یک طین در می‌افکند. البته
راز این یکپارچگی و در هم تنیدگی و رمز این «وحدت حقه ظلیه»، همانا داشتن رنگ‌الاهی و
حکایتگری از «وحدت حقه حقیقیه» و به تعبیر قرآن، طین «وجه اللهی» و «خدانمایی» است:
... فَإِنَّمَا تُولُوا فِشْمَ وَجْهَ اللَّهِ ... (البقرة، ۱۱۵).

و امام حسین (ع) در فرازی زیبا از دعای عرفانی عرفه عرض می‌کند:
الهی علمت باختلاف الآثار و تنفلات الاطور ان مراد ک منی ان تتعزف الى فی کل شیء
(قمی، ۱۳۷۳، ص ۴۹۵).

اصول تربیت دینی از دیدگاه اسلام چیست؟

تا آن جا که ما در این موضوع بررسیده‌ایم، محمدباقر هوشیار، نویسنده کتاب «اصول آموزش و پژوهش» (۱۳۴۷) قدیمی‌ترین شخصیتی است که در ایران در باب اصول تعلیم و تربیت سخن گفته است^(۱۲). وی اصول را تا آن جا مهمند می‌داند که حتی آنها را به تعریف تعلیم و تربیت هم تسری می‌دهد:

تعلیم و تربیت، فعل و انفعالی است میان دو قطب که مسبوق به اصلی و متوجه به هدفی و مستلزم طرح و نقشه‌ای باشد (ص ۱۶).

آنگاه اصول تعلیم و تربیت را این گونه تعریف می‌کند:

مفهوم از اصول، جست و جوی آن گونه مبانی عقلانی و آن گونه مقیاس‌هاست که به وسیله آن می‌توان در هر مورد با کمال سهولت رفتار پژوهشی مطلوب کرد؛ رفتاری که به وسیله آن می‌توان هر وضع خاص تربیتی یعنی هر طفل را از موقف به خصوص خود به هدف مطلوب رساند (ص ۳۷).

علی شریعتمداری، دومین صاحب نظری است که در ایران به بحث و اظهارنظر تخصصی در باب اصول تعلیم و تربیت پرداخته است. وی در کتابی با همین عنوان (۱۳۶۷) اصول تعلیم و تربیت را این گونه معرفی می‌کند:

«مفاهیم، نظریه‌ها، و قواعد نسبتاً کلی است که در بیشتر موارد صادق است و باید راهنمای مریبان، معلمان، مدیران، اولیاء فرهنگ و والدین دانش آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشد» (ص ۹۵).

«مقیاس بودن» اصول در تعریف هوشیار، و «کلیت داشتن» و «راهنما بودن» اصول در تعریف شریعتمداری، از نقاط قوت تعاریف ارائه شده از سوی آنهاست. ما با تجمعی این نکات و افزودن نکاتی دیگر، اصول تربیت دینی از دیدگاه اسلام را بدین صورت تعریف می‌کنیم: «مفهوم‌ها یا گزاره‌های کلی انسایی یا باید محور مستخرج از متون اسلامی که معیار و راهنمای حاوی روش‌های تربیتی‌اند».

اصول تربیت دینی از دیدگاه اسلام را با توجه به مبانی معرفت شناختی و وجود شناختی تربیت دینی در دو قسمت معرفی می‌کنیم.

اصول تربیتی مبتنی بر مبانی معرفت شناختی تربیت دینی

الف- اصول مبتنی بر مبانی امکان پذیری معرفت

۱- اصل اغتنام در معرفت (لزوم معتبر شمردن فرصت‌ها برای به فعلیت رساندن استعدادهای دینی).

۲- اصل تعییل در معرفت (لزوم به فعلیت رساندن استعداد متریابان در شناخت‌های وحیانی، عقلانی، و عرفانی لازم برای تربیت دینی).

ب- اصول مبتنی بر برخوردار بودن انسان از ابزارهای معرفتی سه گانه

۱- اصل تنوع در معرفت (لزوم رعایت تنوع در به کار گیری روش‌های تربیت دینی)

۲- اصل تخصص در معرفت (لزوم کاربرد بجا و تخصصی روش‌های تربیت دینی)

ج- اصول مبتنی بر مرتبه‌مندی معرفت

۱- اصل تشکیک در معرفت (لزوم رعایت ترتیب و تدرج در مواد آموزشی تربیت دینی)

۲- اصل ترکیب در معرفت (لزوم ترکیب در مواد آموزشی تربیت دینی)

د- اصول مربوط به معیار واقع گرایی

۱- اصل گزینش واقع بینانه (لزوم انتخاب مواد آموزشی واقع گرا)

۲- اصل ارزیابی واقع بینانه (لزوم اجرای ارزیابی‌های واقع بینانه آموزشی)

اصول تربیتی مبتنی بر مبنای وجودشناختی تربیت دینی

الف- اصول مبتنی بر مبدأمندی هستی

- ۱- اصل مبدأشناصی (لزوم تحقق معرفت در آموزش‌های تربیت‌دینی نسبت به مبدأ هستی).
 - ۲- اصل مبدأ باوری (لزوم تحقق باور در آموزش‌های تربیت‌دینی نسبت به مبدأ هستی).
- ب- اصول مبتنی بر مقصدمندی هستی
- ۱- اصل مقصدشناصی (لزوم تحقق معرفت در آموزش‌های تربیت‌دینی نسبت به مقصد هستی).
 - ۲- اصل مقصد باوری (لزوم تحقق باور در آموزش‌های تربیت‌دینی نسبت به مقصد هستی).

ج- اصول مبتنی بر مرتبتمندی هستی

- ۱- اصل مرتبت مندی مراحل تربیت دینی
 - ۲- اصل مرتبت مندی مبانی تربیت دینی
 - ۳- اصل مرتبت مندی اصول تربیت دینی
 - ۴- اصل مرتبت مندی اهداف تربیت دینی
 - ۵- اصل مرتبت مندی مواد آموزشی تربیت دینی
 - ۶- اصل مرتبت مندی روش‌های تربیت دینی
- د- اصول مبتنی بر وحدت حقیقی اجزای هستی
- ۱- اصل وحدت معرفتی (لزوم هماهنگی و یکپارچگی همه اجزا و مؤلفه‌های مواد آموزشی تربیت دینی)
 - ۲- اصل توحید معرفتی (لزوم جهت گیری توحیدی همه اجزا و مؤلفه‌های مواد آموزشی تربیت دینی).

اهداف تربیت دینی از دیدگاه اسلام کدام است؟

هدف در لغت به معنای «ساختمان بلند»، «برآمدگی کوه»، «نشانه در تیراندازی» و مانند آن است.^۱ هدف تربیتی به گفته برخی از صاحب‌نظران «مشخص کننده نقطه یا جهتی است که فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی باید متوجه آن باشند یا در مسیر آن حرکت کنند» (شریعتمداری، ۱۳۷۰، ص ۱۱). به عبارت دیگر، هدف تربیتی «جهت کار و نقطه شروع فعالیت‌های تربیتی را نشان می‌دهد» (ص ۱۶۳).

هدف‌های تربیتی از یک منظر به هدف‌های غایی و هدف‌های واسطی تقسیم می‌شوند. هدف غایی و برین تربیت دینی، اعم از اعتقادی، اخلاقی، و عملی، وصول به مقام قرب مطلق الاهی است. البته مراد از قرب در اینجا قرب معنوی و شهودی یا خلقی و وصفی است، نه قرب مکانی، زمانی و مانند آن. عالی ترین مرتبه قرب، قرب مطلق است.

راغب اصفهانی از شش نوع قرب اسم می‌برد و با آوردن شواهدی از قرآن آنها را معرفی می‌کند. اقسام شش گانه قرب از نظر وی عبارت اند از: قرب مکانی، قرب زمانی، قرب نسبی، قرب رعایتی، قرب قدرتی، و قرب حظوتی.^۲ قرب حظوتی یا منزلتی همان مقام اتصاف و تحلق متربی به اوصاف و اخلاق الاهی از قبیل علم و حلم و رحمت و مانند آن است^(۱۴). و مراد از قرب مطلق، مقام «فنای فی الله» است که در اصطلاح عرفان، «فتح مطلق» خوانده می‌شود و در آیه «اذا جاء نصرالله و الفتح» (النصر: ۱) جلوه گر شده است^(۱۵). نکته مهم درباره قرب، به عنوان غایت قصوا و هدف برین تربیت دینی در اسلام آن است که به دلیل تشکیکی و مرتب‌مند

۱ الهدف: کل شیء عظیم مرتفع ... کل بناء مرتفع مشرف ... قال النصر: الهدف ما رفع و بنى من الارض للنصال... الفرض: الهدف ... حيد مرتفع من الرمل ... الغرض. المنتضل فيه بالسهام (ابن منظور، ج ۱۵، ص ۵۳).

۲ - شواهد قرآنی اقسام شش گانه قرب چنین است: قرب مکانی: و لا تقربا هذه الشجرة (القمره: ۳۵); قرب زمانی: اقرب للناس حسابهم (الأنبياء: ۱); قرب نسبی: الولدان والاقريون (النساء: ۷); قرب رعایتی: ان رحمة الله قريب من المحسنين (الاعراف: ۵۶); قرب قدرتی: و نحن اقرب اليه من حل الوريد (ق: ۱۶); قرب حظوتی: عيناً يشرب بها المقربون (المطففين: ۲۸).

بودن قرب، این مقام در فرایند تربیت دینی، به فراخور ظرفیت وجودی افراد به اندازه درجه و مرتبه آنها تحقق می‌یابد و هرگز جنبه ثابت و یکنواخت و یکسان ندارد.

اما تربیت دینی فقط منحصر و محدود به این هدف غایی نیست، بلکه با عنایت به متون و نصوص دینی می‌توان هدف‌های واسطه و تشکیکی دیگری هم برای آن در نظر گرفت. بر مبنای روایت زیر از حضرت رضا (ع) می‌توان چهار مرتبه دیگر نیز در امتداد هدف غایی فوق الذکر ترسیم کرد:

انَّ الْإِيمَانَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بَدْرَجَةٍ، وَ التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانَ بَدْرَجَةٍ، وَ لَمْ يُعْطَ بُنُوَّاً آدَمَ أَفْضَلَ مِنَ الْيَقِينِ (الحرانی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۵).

همانا ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است، و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است، و بالاتر از یقین به فرزندان آدم داده نشده است.

بنابر درجه بندی تشکیکی، نتیجه گیری می‌شود که در راستای هدف غایی و مقول به تشکیک قرب، چهار هدف واسطه‌ای دیگر برای تربیت دینی مورد نظر اسلام متصور است که به ترتیب و از بالا به پایین عبارت اند از: یقین، تقوا، ایمان، و اسلام.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با دو رویکرد یا دوروش می‌توان به تربیت دینی پرداخت و در آن تأمل و مطالعه کرد: درون‌دینی و برون‌دینی. رویکرد برون‌دینی به تربیت دینی، مجموعه‌ای از تحلیل‌های عقلانی و نظری در باب تربیت دینی است. اما اگر این گونه تحلیل‌ها در چارچوب آموزه‌های دین خاصی صورت پذیرد و به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند باشد، رویکردی درون‌دینی به تربیت دینی پدید می‌آید. در این راستا، دو گونه روش‌شناسی پژوهشی نیز شکل می‌گیرد:

روش‌شناسی تحلیلی که مخصوص رویکرد برون‌دینی است، و روش‌شناسی تحلیلی - استنادی که ویژه رویکرد درون‌دینی به تربیت دینی است. و هنگامی که سخن از فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام به میان می‌آید، چنین رویکرد و روش‌شناسی پژوهشی در کار است.

در این مقاله، تلاش گردید تا به چهار سؤال در خصوص مبادی (تصوری)، مبانی، اصول، و اهداف تربیت دینی از دیدگاه اسلام پاسخ داده شود.

پس از تبیین و تعریف مؤلفه‌های اصطلاح ترکیبی «فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام»، این تعریف عرضه شد: «فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام، یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با روش استدلالی-استنادی به تبیین و تحلیل مفهوم‌ها و گزاره‌های تربیت دینی از دیدگاه قرآن و سنت معصومان (ع) می‌پردازد».

آن گاه گفته شد که مجموع رویکردها به فلسفه تربیت دینی در چهار طبقه جای می‌گیرد: الف) فلسفه تربیت دینی بالمعنى العام، ب) فلسفه تربیت دینی بالمعنى العام، ج) فلسفه تربیت دینی بالمعنى الخاص، و د) فلسفه تربیت دینی بالمعنى الاخص؛ و مراد ما از فلسفه تربیت دینی در این نوشتار همین قسم چهارم است.

در پاسخ سؤال دوم گفته شد که مبانی معرفت شناختی تربیت دینی عبارت‌اند از: امکان پذیری معرفت لازم برای تربیت دینی، برخورداری انسان از سه ابزار معرفتی حس، عقل، و تزکیه‌ی نفس، مرتبه‌مندی معرفت لازم برای تربیت دینی، و مطابقت با واقع به عنوان معیار نهایی و بالذات معرفت لازم برای تربیت دینی (البته به ویژه در دو قلمرو اعتقادات و اخلاقیات). مبانی وجودشناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام عبارت‌اند از: مبدأمندی هستی، مقصدمندی هستی، مرتبه‌مندی هستی و وحدت حقیقی اجزای هستی.

در پاسخ سومین سؤال گفته شد که اصول تربیتی مبتنی بر مبانی معرفت شناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام در قالب هشت اصل، یعنی اغتنام در معرفت، تفعیل در معرفت، توع در معرفت، تخصص در معرفت، تشکیک در معرفت، ترکیب در معرفت، گزینش واقع بینانه، و ارزیابی واقع بینانه معرفی شدند.

اصول تربیتی مبتنی بر مبانی وجودشناختی تربیت دینی از دیدگاه اسلام در قالب دوازده اصل معرفی گردیدند: مبدأشناسی، مبدأباوری، مقصدشناصی، مقصدباوری، مرتبه‌مندی

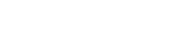
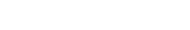
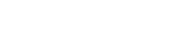
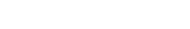
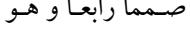
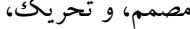
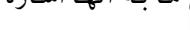
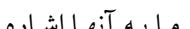
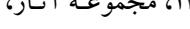
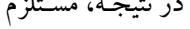
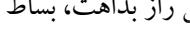
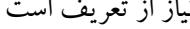
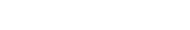
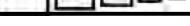
مراحل، مبانی، اصول، اهداف، مواد، و روش‌های تربیت دینی، وحدت معرفتی، و توحید معرفتی.

و سرانجام در پاسخ چهارمین سؤال تحقیق، اهداف تربیت دینی از دیدگاه اسلام در دو گروه اهداف غایبی و واسطه به بحث گذاشته شد. هدف غایبی تربیتی دینی از دیدگاه اسلام، وصول به مقام قرب مطلق الاهی و اهداف واسطه آن به ترتیب عبارت اند از: یقین، تقوا، ایمان، و اسلام.

پی‌نوشت‌ها

۱- امیرمؤمنان، علی (ع) در عبارتی راهگشا و حکیمانه می‌فرماید: «لم يطلع العقول على تحديد صفتة، ولم يحجبها عن واجب معرفته» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).
برای آشنایی بیشتر با این بحث، نگاه کنید به کتاب: «آیین خردپروری» (۱۳۸۶، همین قلم)، ذیل عنوان: «نگاهی به برخی از حوزه‌های تفکر در کلام امام علی (ع)»، صفحات ۱۹۱ تا ۱۹۵، و به ویژه، ذیل عنوان: «موضوعات جایز و غیر جایز فکری در کلام امام علی (ع)»، صفحات ۱۹۵ و ۱۹۶.

۲ و ۳- «ساختار عقلانی- وحیانی» یا «عقلی- نقلی» و نیز «روش تحلیلی- استنادی» حکایت از آن دارد که در این مقاله، از ساختار یا روشی دو بعدی و ترکیبی بهره برده‌ایم. هر چند همین اصطلاح «فلسفه تربیت دینی» نیز به دلیل آمدن واژه «دینی» سطح بحث‌ها را از تحلیل‌های عقلانی محض فراتر می‌برد و عنصر «استنادهای دینی و وحیانی» را در آن واجب الورود می‌گرداند، اما تحدید و تقييد مباحث فلسفه تربیت دینی به «اسلام»، وجه «استنادی» آن را نیرومندتر و برجسته‌تر می‌سازد و تجزیه و تحلیل‌های عقلانی و منطقی این مبحث را چار چوب‌مندتر می‌نماید.



با جمع بندی دو مبدأ تصوری و تصدیقی فعل، یک مبدأ حاصل می‌شود که ما در این مقام از آن به «ادراک» یا «علم» یاد می‌کنیم.

۷- شاید این شبهه به ذهن بیاید که اسلام را با فلسفه چه کار؟ اینها دو قلمرو جداگانه‌اند. اسلام حوزه‌ای دارد و فلسفه قلمروی. پس کاربرد چنین عنوانی برای مقاله حاضر از اصل و اساس باطل است. برای دفع این شبهه ناچاریم به دو نکته اشارتی داشته باشیم. نخست این که فیلسوفان ما برای فلسفه ورزی‌های عقلاتی، ملاک و معیار وحیانی قائل‌اند. شیخ الرئیس ابن سینا در این زمینه سخن جالبی دارد: «و منه ما هو مدرک بالعقل والقياس البرهانی وقد صدقته النبوه» (۱۳۸۰، ص ۴۲۳).

برخی از مسائل با عقل و قیاس برهانی ادراک می‌شود و نبوت، آنها را تصدیق کرده است. و شیخ شهاب الدین سهروردی می‌نویسد:

«کل دعوی لم تشهد بها شواهد الكتاب والسنّة فھي من تقاريع العبث و شعب الرفت. من لم يعتصم بحبل القرآن غوى و هوى فى غيابه جب الھوى» (بهشتی، احمد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

هر ادعایی که شواهدی از کتاب و سنت نداشته باشد، بیهوده و بی‌پایه و مایه است. هر کس به ریسمان قرآن چنگ نزن، گمراه است و در نهانگاه چاه نفس سقوط کرده است. دوم این که مذمت‌ها و نکوهش‌هایی که در برخی اخبار و روایات از فلسفه و تصوف شده، از آن روست که شماری از فیلسوفان و صوفیان خود را از شریعت و وحی بی‌نیاز دانسته‌اند یا با کجری و انحراف به کفر و الحاد گردیده‌اند. در فرازی از «توحید مفضل» حضرت صادق (ع) چنین آمده است:

«فبأ و خيبة و تعسًا لمنت حللى الفلسفة كيف عميت قلوبهم عن هذه الخلقة العجيبة، حتى انكروا التدبیر والعمد فيها» (المجلسی، بی‌تا، ج ۶۱، ص ۳۲۷).

هلاک و نومید باید فیلسوف نمایان که چگونه از این آفرینش شگفت انگیز کور دل شدند تا آن جا که تدبیر و اراده را در مورد آن انکار کردند.



چنان‌که ملاحظه می‌شود سخن در ذمّ و نکوهش فیلسوف نمایان است نه فیلسوفان. برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به: بهشتی، احمد، وحیانیت و عقلانیت عرفان از دیدگاه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵-۹۸.

۸- احمد بهشتی در باب تفاوت میان «فلسفه دین» با «فلسفه علم دین» می‌نویسد: «فلسفه دین مستقیماً به سراغ ادله ای می‌رود که در خود متون دینی آمده، ولی فلسفه علم دین به تحلیل عقلانی ادله ای می‌پردازد که در کلام متفکران دینی مطرح شده است» (فلسفه دین، ۱۳۸۷، ص ۵۲-۵۱).

۹- البته به نظر می‌رسد که تفکیک تربیت دینی از دیگر ساحت‌های تربیت از سوی جان الیاس و بسیاری از فیلسوفان تعلیم و تربیت غرب بر نگاهی سکولار استوار باشد. وی می‌نویسد: «هر چند در بسیاری از کشورهای جهان، تربیت دینی از جمله موضوعات درسی مدرسه است، اما در مدارس دولتی ایالات متحده، دین به صورت رسمی آموزش داده نمی‌شود» (Elias, 1995, p 102). حذف آموزش مفاهیم دینی از برنامه درسی رسمی مدارس آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، ریشه در سکولاریسم دارد.

۱۰- هر چند این دیدگاه جای تأمل دارد، اسلام، دینی است عقلانی و مشوق عقلانیت. قرآن و روایات پر است از انواع استدلال‌ها و برهان‌های آنی و لمّی بر اثبات و دیگر صفات ثبوتی و سلبی خداوند و دیگر اصول اعتقادی. تربیت دینی در اسلام، از تربیت عقلانی و سیاسی و اجتماعی و عاطفی جدا نیست. البته جعل اصطلاح، آن هم به منظور ساختمندسازی و نظم بخشی و ساماندهی تحقیقات و مطالعات در عرصه تربیت اسلامی مانع ندارد، بلکه سودمند و لازم است، به شرطی که موجب کوته نگری و تنگ نظری نشود. البته دیدگاه برگزیده ما با دیدگاه امثال جان الیاس نیز قدری متفاوت است. در دیدگاه جان الیاس، تربیت اخلاقی از تربیت دینی جداست، در حالی که در دیدگاه ما تربیت اخلاقی، جزء تربیت دینی است.

۱۱- اگر این مرزیندی میان الگوی سوم و چهارم (تربیت دینی) صحیح باشد، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی سوم، مرادف و بلکه مساوی با تربیت اسلامی است، یعنی تربیت دینی و

تربیت اسلامی، مفهوماً مغایر و مصداقاً متحدد، در حالی که الگوی چهارم، اخص از تربیت اسلامی است.

۱۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۰۲۲-۱۰۱۹.

۱۳- البته دکتر محمد باقر هوشیار در مقدمه کتاب نام برده تصريح می‌کند که «استخوان بندی آن کاملاً مقتبس از دو کتاب: ۱- نظریه در باب آموزش و پرورش تألیف استاد معروف، کرشن اشتاینر آلمانی، ۲- اصول آموزش و پرورش تألیف دکتر هینست آلمانی است» (ص ۵).

۱۴- راغب در باب معنای قرب می‌نویسد: «قرب العبد من الله في الحقيقة: التخصص بكثير من الصفات التي يصح أن يوصف الله بها وإن لم يكن وصف الإنسان بها على الحد الذي يوصف تعالى به، نحو: الحكم و العلم والحلم والرحمة والغنى». (الراغب الاصفهاني، ۱۴۱۶، ص ۶۶۴).

۱۵- امام خمینی (ره) در باب «مقام فتح» از نگاه عارفان، به سه گونه فتح اشاره می‌کند: «فتح اول همان فتح قریب است که با آن ابواب معارف قلیلیه مفتوح شود و ذنوب نفسیه مغفور گردد. فتح دوم، فتح مبین است که باب اسماء و صفات الهی بر انسان مفتوح گردد و بقایای ذنوب نفسیه متقدمه و ذنوب قلیلیه متأخره آمرزیده شود. و فتح سوم، فتح مطلق است که مرحله خروج از حجاب کثرت اسمائی و تعینات صفاتی و دریافت تجلیات ذاتیه احادیه است» (الخمینی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲).

منابع فارسی

- الیاس، جان. (۱۳۸۲). فلسفه تعلیم و تربیت قدیم و معاصر. (عبدالرضا ضرابی، مترجم؛ زیرنظر سعید بهشتی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- بهشتی، احمد. (۱۳۸۶). فلسفه دین. قم: بوستان کتاب.

بهشتی، احمد. (۱۳۸۴). وحیانیت و عقلانیت عرفان از دیدگاه امام خمینی (ره). قم: بوستان کتاب.

بهشتی، سعید. (۱۳۸۶). زمینه‌ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب. تهران: انتشارات اطلاعات.

بهشتی، سعید. (۱۳۸۶). آین خردپروری. تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر. خمینی، روح الله. (۱۳۷۶). چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).

داوودی، محمد. (۱۳۸۶). تربیت دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمة نهج البلاغه. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی امیرالمؤمنین (ع).

رهنما، آذر. (بی‌تا). مقدمات اصول آموزش و پرورش، تهران. شریعتمداری، علی. (۱۳۶۵). اصول تعلیم و تربیت. تهران: دانشگاه تهران.

شکوهی، غلامحسین. (۱۳۶۸). مبانی و اصول آموزش و پرورش. تهران: آستان قدس رضوی.

شیخ‌الاسلامی، سیدحسین. (۱۳۷۷). گفتاری از امیرالمؤمنین علی(ع). قم: انتشارات انصاریان. قمی، عباس. (۱۳۷۳). کلیات مفاتیح الجنان. تهران: انتشارات ناهید.

مصطفی‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۴). آموزش عقاید. ج ۱. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). مجموعه آثار. ج ۵. تهران: انتشارات صدرا.

مصطفی‌یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۶). مجموعه آثار. ج ۹. تهران: انتشارات صدرا.

منابع عربی

القرآن الكريم.

ابن سينا. (بی‌تا). الشفاء. (الطبعيات). (تحقيق: محمود قاسم). القاهرة: دارالكتاب العربي.

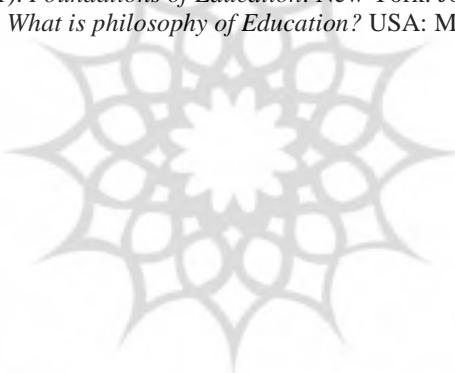
ابن منظور، جمال الدين ابوالفضل. (۱۴۱۶). لسان العرب. ج ۱ و ۱۵. بيروت: دار احياء التراث العربي.

الحرانی، ابومحمد. (۱۴۱۶). تحف العقول عن آل الرسول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- الراغب الاصفهانی، (۱۴۱۶). *مفردات الفاظ القرآن*. دمشق: دارالقلم.
- السبزواری، هادی. (۱۳۶۹). *شرح المنظومه*. قم: انتشارات علامه.
- الطريحي، فخرالدین. (۱۴۰۸). *مجمع البحرين*. ج ۱. تهران: مجمع الشقاوه الاسلاميه.
- الفراهیدی، الخلیل بن احمد. (۱۴۱۴). *كتاب العین*. ج ۱. قم: انتشارات اسوه.
- المجلسی، محمدباقر. (بی تا). *بحار الانوار*. ج ۶۱. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- معلوف، لویس. (۱۳۸۲). *المنجد فی اللغة*. قم: انتشارات دارالعلم.

منابع انگلیسی

- Elias, J. L. (1995). *Philosophy of Education; classical and contemporary*. (1995). USA : Krieger Publishing Company.
- Kneller, G. F. (1971). *Foundations of Education*. New York: John Wiley and Sons.
- Lucas, C. J. (1965). *What is philosophy of Education?* USA: Macmillan.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستال جامع علوم انسانی